

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

زیارت قبر پیامبر گرامی اسلام(ص) و همچنین ائمه اطهار(ع) از جمله اعتقادات تشیع می‌باشد که بسیاری از علمای اهل سنت نیز بر جواز و استحباب آن اجماع و اتفاق دارند. شواهد تاریخی بسیاری وجود دارد که هم راستا با قرآن و سنت، حاکی از جواز و استحباب زیارت قبور پیامبر مکرم اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) می‌باشد. با این وجود، در این خصوص شبهاتی مطرح گردیده که عمده‌ی آنها از سوی وهابیان است. در این درس تلاش خواهد شد تا ضمن بیان دیدگاه وهابیان در این خصوص، به نقد آن از نظر گاه قرآن و روایات و همچنین سیره و رفتار صحابه و در نهایت از منظر عقل پرداخته شود.

زیارت قبر پیامبر خدا(ص) از دیدگاه وهابی‌ها

تردید نیست که زیارت قبر پیامبر خدا(ص) از نظر قرآن و سنت، عملی پسندیده و شرعی است و در طول تاریخ اسلام مسلمانان به این عمل مبادرت می‌ورزیدند و در این راستا به کمالاتی دست می‌یافتند. اما ابن تیمیه معتقد است که سفر برای زیارت قبر پیامبر خدا(ص) حرام است و به طریق اولی زیارت دیگر قبور نیز حرام خواهد گردید. ابن تیمیه در این فتوا حدیث «شد الرحال» را مستند خود قرار داده است. این حدیث را قسطلانی در «ارشاد الساری»^۱ و ابن حجر عسقلانی در «الجواهر المنظم» نقل نموده‌اند.

پاسخ از این دیدگاه

ما نخست با استفاده از دلیل‌های چهارگانه، نادرستی دیدگاه ابن تیمیه را اثبات می‌نماییم، سپس حدیث «شد الرحال» را بررسی و نقد کرده و برداشتی را که او از این حدیث نموده است باطل خواهیم کرد. اینک می‌گوییم: زیارت بنا بر دلیل‌های چهارگانه امر شرعی است.

۱. دیدگاه قرآنی

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«ولو انهم إذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً»^۲

و هر گاه آنان هنگامی که بر خویش ستم می‌کردند به نزد تو (ای رسول خدا) می‌آمدند و استغفار می‌کردند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، خداوند را توبه‌پذیر و بخشنده می‌یافتند.^۳ بنا بر این آیه کریمه، زیارت نوعی حاضر شدن نزد زیارت شونده است؛ خواه برای استغفار باشد یا غیر آن. حال که رجحان چنین عملی در دوران زندگی پیامبر خدا(ص) ثابت شد، همین امر پس از رحلت ایشان نیز ثابت خواهد بود؛ زیرا طبق دلایل و شواهدی که در بحث شفاعت آورده شد، آن حضرت دارای حیات برزخی بوده و سلام زائر را می‌شنود و اعمال او بر ایشان عرضه می‌گردد.

۲. دیدگاه روایی

احادیث فراوانی از پیامبر خدا(ص) درباره تعظیم و بزرگداشت و زیارت قبر مطهر آن حضرت وارد شده است که همه راویان آنها توسط عالمان راوی شناس اهل سنت توثیق شده‌اند. از این رو با احادیث معتبر روشن می‌شود که مدعی جعلی بودن تمام احادیثی که از پیامبر خدا(ص) در مورد زیارت وارد شده افترا بی‌عظیم است که بر آن حضرت بسته‌اند. اکنون نمونه‌ای از این احادیث را می‌آوریم.

حدیث یکم: در بیشتر منابع اهل سنت آمده است که پیامبر خدا(ص) فرمودند:
من زار قبری وجبت له شفاعتی؛

^۱ ارشاد الساری: ج ۲، ص ۳۲۹.

^۲ سوره نساء: آیه ۶۴.

^۳ سبکی در شفاء السقام می‌گوید: اگرچه آیه مربوط به حال حیات پیامبر است ولی این رتبه و مقامی است که با موت حضرت قطع نمی‌شود. شفاء السقام، ص ۸۱.

هر کس قبر مرا زیارت کند ، شفاعتش بر من لازم خواهد شد.

حافظان و محدثان بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند که ابن ابی الدنیا ، ابن خزیمه ، دار قطنی ، دولابی ، ابن عساکر ، تقی‌الدین سبکی و . . . از آن جمله‌اند.^۱

حدیث دوم : ابن عمر در روایت مرفوعه‌ای^۲ گوید : پیامبر فرمودند :

من جاء نى زائراً لا تعلمه - لا تحمله - إلا زيارتى كان حقاً على أن أكون له شفيعاً يوم القيامة ؛

هر کس فقط به انگیزه زیارت من بیاید ، بر من لازم است که در روز قیامت شفیع او باشم.

این حدیث در ۱۶ منبع اهل سنت آمده است که از راویان آن می‌توان طبرانی ، حافظ ابن سکن بغدادی ، دار قطنی و ابو نعیم اصفهانی را نام برد.^۳

حدیث سوم : عبدالله بن عمر در روایت مرفوعه دیگری گوید : پیامبر (ص) فرمودند :

من حجّ فزار قبرى بعد وفاتى كان كمن زارنى فى حياتى ؛

هر کس حج گزارد و قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند ، به سان کسی است که در دوران زندگی مرا زیارت نموده است.

این حدیث در ۲۵ منبع از منابع اهل سنت نقل شده که برخی راویان آن عبارتند از : شبیبانی ، ابو یعلی ، بغوی ، ابن عدی^۴

حدیث چهارم : عبدالله بن عمر در روایت مرفوعه‌ای دیگر گوید : پیامبر خدا(ص) فرمودند :

من حجّ البيت و لم يزرنى فقد جفانى ؛

هر کس حج خانه خدا را انجام دهد و مرا زیارت نکند ، به من جفا کرده است.

بسیاری از حافظان و محدثان اهل سنت این حدیث را نقل کرده‌اند که سمهودی ، دار قطنی و قسطلانی و . . . از آن جمله‌اند.^۵

۳. سیره و رفتار اصحاب

سومین دلیل برای مشروعیت زیارت ، سیره و رفتار اصحاب پیامبر خدا(ص) است . در روایت آمده است : آن‌گاه که عمر بن خطاب بعد از فتوحات شام ، وارد مدینه شد ، در نخستین اقدام به مسجد آمد و بر رسول خدا(ص) سلام فرستاد.^۶

^۱ سنن دار قطنی : ج ۲ ص ۲۷۸ ، السنن الکبری : ج ۵ ، ص ۲۴۵ ، الشفا بتعريف حقوق المصطفى : ج ۲ ، ص ۸۳ و ۸۴ نیل الأوطار : ج ۵ ص ۱۷۹ ؛ ر . ک : الغدير : ج ۵ ، ص ۹۳ .

^۲ روایت مرفوع در نزد اهل سنت و در اصطلاح آنان روایت معتبر و صحیح را می‌گویند.

^۳ المعجم الكبير : ج ۱۲ ، ص ۲۹۱ ؛ احياء علوم الدين : ج ۱ ، ص ۲۵۸ ؛ شفاء السقام : ص ۸۳ ؛ وفاء الوفاء بأخبار المصطفى : ج ۴ ، ص ۱۳۴۰ .

^۴ المعجم الكبير : ج ۱۲ ، ص ۴۰۶ ، سنن دار قطنی : ج ۲ ، ص ۲۷۸

^۵ نیل الأوطار : ج ۵ ، ص ۱۸۰ ، المصنف عبدالرزاق : ج ۳ ، ص ۵۶۹ ، المواهب اللدنيه : ج ۳ ، ص ۴۰۴

^۶ شفاء السقام : ص ۱۴۴ ، گفتنی است که بحث ما در این جا جدلی است و ما فقط رفتار معصوم را حجت می‌دانیم ؛ خواه صحابی باشد و خواه نباشد.

این قضیه در کتاب «فتوح الشام» چنین نقل شده است :

آن گاه که عمر با مردم بیت المقدس مصالحه کرد ، کعب الاحبار بر او وارد شد و اسلام آورد . عمر از اسلام وی شاد شد. سپس به او گفت : آیا می توانی با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر را زیارت کنی و از زیارت آن بهره گیری ؟

کعب الاحبار پذیرفت . وقتی عمر وارد مدینه شد ، نخستین کاری که انجام داد ، داخل مسجد شد و به رسول خدا(ص) سلام فرستاد.^۱

در روایت دیگری آمده است : هر گاه عبدالله بن عمر از سفر بر می گشت ، نزد قبر پیامبر(ص) می آمد و می گفت : سلام بر تو ای رسول خدا!...^۲

ابن عمر همواره کنار قبر پیامبر(ص) می ایستاد و بر آن حضرت سلام می فرستاد.^۳

در نقل دیگری می خوانیم : ابن عون می گوید : مردی از نافع پرسید : آیا عبدالله بن عمر بر قبر پیامبر اکرم (ص) سلام می فرستاد؟

نافع گفت : آری ، او را صد بار یا بیش از صد بار دیدم که کنار قبر پیامبر(ص) می آمد و نزد آن می ایستاد و می گفت : سلام بر پیامبر.^۴

حافظ عبدالغنی و دیگران گویند : بلال بعد از پیامبر خدا(ص) تنها یک بار - زمانی که برای زیارت قبر آن حضرت به مدینه آمده بود - اذان گفت.^۵

تقی الدین سبکی می گوید : دلیل ما برای مشروعیت سفر برای زیارت پیامبر خدا(ص) رؤیای بلال نیست ، بلکه دلیل ما ، عمل و رفتار بلال است.^۶ این عمل در دوره خلافت عمر ، با آن همه صحابه که در آن دوره بودند ، صورت گرفته است و این جریان برای آنها پوشیده نبود ، از این رو هیچ اعتراضی بر بلال نکردند.^۷

۴. دیدگاه عقل

مشروعیت زیارت از دیدگاه عقل نیز قابل استدلال است؛^۱ چرا که عقل می گوید : تعظیم کسی که خداوند تبارک و تعالی او را بزرگ داشته ، نیکو است . زیارت هم نوعی تعظیم و بزرگداشت است . زیارت پیامبر خدا(ص) - که

^۱ فتوح الشام : ج ۱ ، ص ۲۴۴.

^۲ وفاء الوفاء بأخبار المصطفى : ج ۴ ، ص ۱۳۴۰.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ قاموس الرجال : ج ۲ ، ص ۳۹۸ . گفتنی است که از نظر تاریخی خلاف این دیدگاه ثابت شده است ؛ چرا که پس از پیامبر خدا(ص) بلال دوبار در مدینه و یک بار در شام اذان گفت.

^۶ بلال حبشی بعد از وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به شام هجرت نمود ، شبی از شب ها رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در خواب دید که به من فرمود : ای بلال این چه جفایی است که در حق ما نمودی ؟ آیا وقتش نشده که به زیارت ما بیایی ؟ بلال سراسیمه از خواب بیدار شد و سوار مرکب شده به قصد زیارت آن حضرت ، وارد مدینه شد و مستقیماً بر سر قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رفت ، شروع به گریه کرد و صورت خود را بر قبر مبارک مالید . شیعه شناسی و پاسخ به شبهات ، ص ۳۰۲ به نقل از اسد الغابه ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ .

^۷ شفاء السقام : ص ۱۴۲ ، باب سوم .

نوعی احترام به آن حضرت است - از شعائر الهی، جایز و عمل پسندیده‌ای است؛ چرا که این عمل بر خلاف میل دشمنان و مخالفان اسلام است.

بررسی و نقد دلیل وهابی‌ها

پیش‌تر اشاره کردیم که وهابی‌ها با استناد به حدیثی بر حرمت زیارت پیامبر خدا(ص) فتوا داده‌اند. این حدیث در کتاب‌های صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است که پیامبر خدا(ص) فرمودند:

لا تشدّ الرحال إلّا إلى ثلاثة: المسجد الحرام و مسجدی و مسجد الأقصی؛^۲

بار سفر بستن جایز نیست مگر برای سه جا: مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی.

محمد بن عبدالوهاب با برداشتی غلط از این حدیث می‌گوید:

زیارت پیامبر(ص) مستحب است، ولی باید سفر برای زیارت مسجد و نماز گزاردن در آن باشد، نه به قصد زیارت قبر پیامبر.

محمد بن عبدالوهاب با استناد به این حدیث سفر را برای زیارت قبور تحریم کرده است.

در بررسی این حدیث می‌گوییم: به اقتضای قواعد زبان عربی برای آنکه معنای کاملی از این حدیث به دست آوریم؛ نخست بایستی کلمه‌ای پیش از حرف «إلّا» در تقدیر بگیریم. در این صورت دو احتمال پدید خواهد آمد:

۱. واژه حذف شده «مسجد» باشد که در این صورت معنای حدیث این‌گونه خواهد شد: برای اقامه نماز نباید به هیچ مسجدی سفر نمود مگر برای سه مسجد.

۲. واژه حذف شده «موضع» یا «مکان» باشد که در این صورت معنای حدیث بدین شکل خواهد شد: به هیچ جا و مکانی نباید سفر کرد مگر به سه مسجد.

بنا بر احتمال نخست، حصری که از حرف «إلّا» به دست می‌آید حصر اضافی است؛ یعنی سخن رسول خدا(ص) در نفی و اثبات بر محور مسجد می‌چرخد و به طور کلی سفر برای زیارت پیامبر خدا(ص) داخل در آن چه که استثنا شده، نیست و موضوعاً از حدیث خارج است؛ زیرا حدیث می‌گوید: وجهی ندارد که انسان از شهری که دارای مسجد جامع است، برای اقامه نماز به شهر دیگری مسافرت کند و در مسجد جامع یا غیر جامع آن شهر نماز بخواند؛ چرا که ارزش مسجد و پاداش نماز در هر دو جا یکسان است؛ ولی سه مسجد مذکور از این موضوع مستثنا بوده و نمازگزار پاداش بالاتری در آن‌ها دارد.

^۱ از دیدگاه عقل سلیم بشری، هر کردار و رفتار و حتی اندیشه‌ای که آدمی را در مسیر کمال الهی یاری دهد، و او را در رسیدن به سر منزل مقصود، و پیمودن مراتب و مراحل سلوک معنوی مدد رساند، و مایه «تقرّب» او به درگاه ربوبی، ضامن پویایی و حرکت بی وقفه او در طریق حق و حقیقت باشد، مطلوب و پسندیده است. و بی تردید «زیارت» از جمله اعمالی است که اگر با «آداب و شرایط» آن و توأم با «معرفت» به حق نبی و وصی انجام پذیرد، آثار پر بار و سازنده‌ای در پی دارد که ره توشه رشد و بالندگی زائران خواهد بود.

چنین زیارتی «زیور زهد» را زینت بخش زندگی زائر قرار می‌دهد، و «پیراهن پارسایی» را که تنیده از تار و پود تعظیم شعائر الهی است، بر پیکر دل‌ها می‌پوشاند. چنین زیارتی، الهام بخش و شوق آفرین، ادب آموز و هوس سوز، روشنگر و حق نما، ایمان زا و آرمان بخش، گناه شوی و خطاپوش و... است. حال کدامین عقل سلیم و زنده و پویایی است که به حسن و مشروعیت آن حکم نکند!؟

^۲ صحیح بخاری: ج ۱، ص ۳۹۸. حدیث ۱۱۳۲؛ صحیح مسلم: ج ۲، ص ۱۰۱۴؛ حدیث ۱۳۹۷.

از طرفی، با توجه به این که در تقدیر گرفتن واژه «مسجد» به عنوان واژه حذف شده متبادر عرفی است و به جهت پدید آمدن مناسبت و هماهنگی میان حکم و موضوع، ظاهر حدیث نیز همین کلمه را اقتضا می‌نماید، این احتمال متعین خواهد گردید.

اما بنابر احتمال دوم - که کلام ابن تیمیه و پیروانش تنها بنا بر این احتمال درست خواهد بود - حصری که از حرف «آل» به دست می‌آید، حصر حقیقی خواهد بود؛ به این معنا که به جز آن سه مسجد به هیچ مکانی نباید سفر کرد، حال آن که تمام فرقه‌های مسلمانان اجماع و اتفاق نظر دارند که سفر به هر مکانی برای تجارت، طلب علم، جهاد، زیارت علما و یا اصلاً به جهت گردش و... اشکالی ندارد.

اگر این واژه حذف شده در حدیث «مکان» یا «موضع» باشد، لازم می‌آید سفر برای جهات فوق جایز نباشد و این امر بر خلاف اجماع و اتفاق نظر همه مسلمانان است.

پس واژه حذف شده در حدیث واژه «مسجد» است؛ یعنی « لا یقصد بالسفر إلی المسجد إلاً المساجد الثلاثه ». در این صورت، حدیث هیچ دلالت و اصلاً هیچ اشاره‌ای ندارد که سفر برای زیارت مشاهد - به ویژه برای قبر پیامبر خدا(ص) حرام باشد.

قسطلانی نیز در «ارشاد الساری» این مطلب را آورده است.^۱

از سوی دیگر، اگر واژه حذف شده واژه «مسجد» هم باشد، بر طبق مضمون آن نمی‌توان عمل کرد؛ زیرا معنای روایت بر طبق احتمال نخست آن است که فقط برای آن سه مسجد سفر صورت بگیرد، اما غیر از آن سه، سفر برای خواندن نماز جایز نیست. در حالی که به تصریح روایات، پیامبر خدا(ص) و صحابه، هر روز شنبه به مسجد قبا می‌رفتند و مسجد قبا نیز جزء آن مساجد سه گانه نیست. از این رو بر طبق این حدیث، سفر به مسجد قبا باید تحریم شود، در حالی که هیچ مسلمانی چنین سخنی را به زبان نمی‌آورد.

در روایتی آمده است: عبدالله بن عمر گوید: پیامبر(ص) همواره روزهای شنبه، پیاده و سواره به مسجد قبا می‌رفت. البته خود عبدالله بن عمر نیز همین کار را انجام می‌داد.^۲

^۱ ارشادالساری: ج ۲ ص ۳۳۲.

^۲ صحیح بخاری: ج ۲، ص ۳۹۹، حدیث ۱۱۳۵.

چکیده :

۱. ابن تیمیه با استناد به حدیث «شدّ الرحال» معتقد است سفر برای زیارت قبر پیامبر خدا (ص) و به طریق اولی دیگر قبور، حرام است .
۲. بر اساس آیه ۶۴ سوره نساء رجحان زیارت پیامبر (ص) در دوران زندگی ایشان اثبات می‌شود و با توجه به اینکه آن حضرت دارای حیات برزخی هستند و سلام زائر را می‌شنوند و اعمال زائر بر او عرضه می‌شود، رجحان زیارت ایشان پس از مرگ نیز ثابت می‌شود .
۳. احادیث فراوانی از پیامبر اسلام (ص) درباره بزرگداشت و زیارت قبر مطهرشان وارد شده که راویان آنها توسط عالمان راوی شناس اهل سنت توثیق شده‌اند .
۴. سیره و رفتار اصحاب پیامبر (ص) دلیل دیگری بر مشروعیت زیارت قبر مطهر آن حضرت است .
۵. از دیدگاه عقل، با توجه به اینکه تعظیم کسی که خداوند او را بزرگ داشته نیکو و شایسته است، زیارت اولیای خدا نیز - هم چون بزرگداشت آنان - عملی نیکو و پسندیده خواهد بود .
۶. بر اساس قواعد زبان عربی مراد از حدیث شدّ الرحال این است که : وجهی ندارد انسان از شهری که دارای مسجد جامع است برای اقامه نماز به شهر دیگری برود مگر مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد الاقصی که نمازگزار در آنها پاداش بالاتری دارد .